

توركان

www.ketab.ir



نشر هو نثار

کولین، عایشه، ۱۹۹۱ - م.	۱	سرشناسه
Kulin, Ayse	۲	
تورکان / عایشه کولین، مترجم رویا پورمناف؛	۳	عنوان و نام پدیدآور
تهران: نشر هونار، ۱۳۹۸.	۴	مشخصات نشر
۳۲۰ ص، ۱۲/۵ × ۲۱/۵ س.م.	۵	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۰۰-۸۱۸۳-۰۶-۸	۶	شابک
قیما	۷	وضعیت فهرست نویسی
Turkan	۸	یادداشت
Turkan, tek ve tek basına	۹	یادداشت
عنوان اصلی: داستان های ترکی -- ترکیه -- قرن ۲۰م	۱۰	موضوع
20th century -- Turkish fiction -- Turkey	۱۱	موضوع
پورمناف، رویا، ۱۳۵۱ - مترجم	۱۲	شناسه افزوده
PL۲۴۸/ک۹۵ ت ۹۱۳۹۶	۱۳	رده بندی کنگره
۸۹۴/۳۵۲۳	۱۴	رده بندی دیویی
۴۷۶۱۱۳۸	۱۵	شماره کتابشناسی ملی



نشر هونار

تورکان

عایشه کولین

نویسنده:	عایشه کولین
مترجم:	رویا پورمناف
ویراستار:	اصغر اندرودی / آتلیه هونار
موضوع:	ادبیات / رمان / زمان خارجی
طرح جلد:	آتلیه هونار
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۱۸۳-۰۶-۸
صفحه آرایشی:	آتلیه هونار
نوبت چاپ:	اول / ۱۳۹۹
چاپ:	مهرگان
تیراژ:	۵۰۰ نسخه
بها:	۴۲۰۰۰

۰۲۱ ۴۴۴۸۹۶۸۰ - ۰۹۳۶۳۹۱۳۹۵۳

www.hoonaar.com info@hoonaar.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است - هر گونه اقتباس از اثر منوط به اجازه کتبی ناشر است

پیش گفتا.

من با پروفسور توردان، یلان، سال ۲۰۰۳ و پیش از سفرم به شرق کشور و آغاز پروژه نگارش کتاب دختران ترکیه معاصر که بعدها نام آن را به کار دلن‌ها تغییر دادم آشنا شدم. با صمیمیت و دلبستگی ما و دوستی امان از من خواست که بیوگرافی او را بنویسم.

در مورد او کتاب‌های بسیاری نوشته شده است. «دختر اسب» بیوگرافی بخش‌های مشخصی از زندگی او به قلم خودش بود. «کتاب اکنون خورشید از امید زاده» می‌شود^۲. به قلم محمد زمان ساجلی او سوکات، گری در مورد زندگی او بود.

به علاوه فعالیت‌های او در زمینه طب و آموزش، موضوع کتاب‌های مختلف بسیاری است. چیز زیادی برای نوشتن برای من باقی نمانده بود.

این را به او هم گفته بودم اما برآورده نکردن خواسته او به دلم نمی‌نشست. در

^۱ (AT Kız, Turkan sayılan, Cumhuriyet, (2007)

^۲ Cures unattan Simdi Dogar. Hazın Mehmet Zarman Sadioglu. Tunkıye is Bankasi yayınlari (2004)

اواخر سال ۲۰۰۸ یک روز که همدیگر را ملاقات کردیم به او پیشنهاد کردم که اگر موافق باشد کتابی در مورد دنیای جذام و جذامیان براساس فعالیت‌های او بنویسم.

استاد داستان‌هایی از زندگی بیمارانش را برای من تعریف کرد. چقدر حیف که در آن دوره به خاطر مشکلی که در شانم داشتم مدت سه ماه نتوانستم از دست راستم استفاده کنم. حدود اواخر ماه مارس بهبود پیدا کرد، اما این بار هم بیماری او خیلی پیشرفت کرده بود و حسابی ضعیف و ناتوان شده بود. در ملاقات بعدی که او را خسته کنم خیلی می‌ترسیدم. در اوایل سال ۲۰۰۹ به خانه اسرار ریخت و کتاب‌ها، نوشته و نامه‌های او را توقیف کردند و اتفاقاتی به سرعت با دایر بس می‌آمدند.

بعد از جریان این حمله استاد قدرت بدن را که از دست داده بود برای مدت کوتاهی مجدد به دست آورد و تمام کمرهای نیمه تمام خود را با سرعت به اتمام رساند. برای آخرین بار با من قرار ملاقاتی گذاشت و برخی از درخواست‌های شخصی‌اش در مورد کتاب را مطرح کرد. در مراسم تدفین سالگرد تأسیس انجمن کمک به زندگی معاصر صحبت کرد و بعد باه جفا کردن درمان از میان ما جدا شد. در مراسم تشییع جنازه او تمام انسان‌های خوب و درست ساکن استانبول، جذامیان و تمام بچه‌ها و دانشجویانی که بورسیه کرده بود از چهار گوشه ترکیه شرکت کرده بودند. ترکیه تشکرات قلبی خود را در تاریخ ۱۹ می ۲۰۰۹ و در مراسم تشییع جنازه این انسان بی نظیر نثار او کرد.

قدیمی‌ترین و نزدیک‌ترین دوست او گوکشین سانال بخشی از نامه‌هایشان با تورکان را که مجموعه‌ای از مکاتبات آن‌ها از سیزده سالگی‌اشان به این طرف بود به انتخاب خودش به من داد و با این نامه‌ها بود که محتوای کتابم را تغییر دادم. آنچه که بنا بود بنویسم باید روی نانوشتنه‌های زندگی استاد

متمرکز می‌شد، باید از نوشته‌های قبلی در مورد او کمتر اقتباس می‌کردم و سعی می‌کردم که اسیر تکرار نشوم باید با آنچه که به من به امانت سپرده شده بود شروع می‌کردم و انسان و کودک درون او را در طول زندگی‌اش به نمایش می‌گذاشتم.

گوکشین سانال قبلاً بالای برخی از سطور در مورد دوستش اینطور نوشته بود. نوشته‌هایی که عزیز را به نمایش می‌گذارد. کتاب‌های زیادی نوشته شده که می‌توان آن‌ها را داستان زندگی او نامید همگی زیبا هستند، اما به نظر ناقصند! هیچ‌کس در مرد درک درون او که تا روز آخر آن را زنده نگه داشت و با وجود اینکه زن عاقل بود، گزوجه صاف و ساده روحش را از دست نداد و اشتباهاتی که برای ناراحت کردن دیگران مرتکب شد یا احساس او در مورد دوستی، افکار و رفتار، عشق‌های او که همیشه کنج‌کاوی دیگران را برمی‌انگیخت، یا روابطی که فکر می‌کرد عشق هستند، را دست‌نمی‌زد که در دوران ما خیلی‌ها آن را تقبیح می‌کردند سخنی نگفت. زندگی را با رویکرد نیکوکاری، دادن خدمات او به علم طب و آموزش، شخصیت استثنائی، او را قطعاً می‌توان در یک کتاب گنجاند. در سطور می‌توانید خواند من تنها به زنی که به او دادم عمل می‌کنم و سعی می‌کنم بر چهره و پرتو این انسان بی‌نظیر چند نیمه هم من نقش بزنم. رنگ‌هایی که در طی زمان پژمرده شدند، رنگ‌هایی خیلی غمگین.